قفسه کتاب

یک پیشنهاد درباره مطالعه کتاب با موضوع مقاومت در برابر داعش

محمود جوانبخت به‌تازگی کتابی به نام «زخم روی زخم» نوشته که روایتی است از مقاومت ترکمانان شیعه عراق در برابر داعش. خسرو باباخانی، نویسنده کشورمان در یادداشتی که در اختیار خبرگزاری فارس قرار داده، درباره این کتاب این‌طور نوشته: اگر بخواهیم پنج نفر را نام ببریم که بیش از ۳۰سال سابقه درخشان خبرنگاری، روزنامه‌نگاری، مستندسازی، داستان‌نویسی و مهم‌تر از همه این‌ها روایت‌نویسی داشته باشند از چه کسانی نام می‌بریم؟ اگر کمی منصف باشیم با هر دیدگاه و مرام و مسلکی، بی‌شک یکی از آن‌ها آقایی است به نام محمود جوانبخت یا به قول مهدی قزلی: «داش محمود».

من آن‌قدر خوشبخت بودم که بیش از دو دهه افتخار آشنایی و اگر قابل باشم دوستی‌اش را دارم. مستندهایش را از قاب تلویزیون دیده‌ام، خیلی خوب است. در ادبیات داستانی هم دست بلندی دارد؛ پاکیزه و قوی. اما در روایت‌نویسی چیز دیگری است؛ نمی‌گویم بی‌نظیر است اما می‌گویم کم‌نظیر است. من این اقبال بلند را داشته‌ام که بسیار روایت از ایشان خوانده‌ام؛ نه نخوانده‌ام، که نوشیده‌ام انگار شهد است. اگرچه اغلب تلخ، تلخ مانند. عیبی ندارد. چنان نوشدارو است، چنان نیشتر بر دل‌های چرکین و پنهان روح و روانمان است.

حالا اگر خبر بِرسد یا پیامدی انتشارات جام‌جم، محمود جوانبخت روایت جدیدی نوشته یا عنوان زخمی و خونین «زخم‌روی زخم» چه می‌کنیم؟ بله بی‌تردید یک‌پارچه شور و هیجان می‌شویم برای صید کتاب را طبق روال این چند ماه اخیر، عامه مطاوسی خانم [همسرم] خواند و من قدم‌زنان گوش کردم. خدایا! چقدر زخم، چقدر درد، چقدر رنج؟ ماه طاووس در برخی از صحنه‌ها، از رنج عظیمی که چون سیل جاری بود، گلویش می‌گرفت. نمی‌خواست نشان دهد بغض دارد. می‌خواست وانمود کند گلویش خشک شده و با چند سرفه و چند جرعه آب رفع می‌شود. اما من نازک‌دل‌تر و شکننده‌تر از این حرف‌ها هستم. نمی‌خواستم چیزی را پنهان کنم؛ راحت اشک می‌ریختم، کتاب را طبق روال این چند ماه اخیر، عامه مطاوسی خانم [همسرم] خواند و من قدم‌زنان گوش کردم. خدایا! چقدر زخم، چقدر درد، چقدر رنج؟ ماه طاووس در برخی از صحنه‌ها، از رنج عظیمی که چون سیل جاری بود، گلویش می‌گرفت. نمی‌خواست نشان دهد بغض دارد. می‌خواست وانمود کند گلویش خشک شده و با چند سرفه و چند

نکته‌ها

آیت‌الله جاودان

دوستی اهل بیت(ع) نجات‌بخش است
اما باید از آن محافظت کرد

در سوره نساء آیه خیلی مهمی داریم که می‌فرماید: الیس بامانیکم ولاامانی اهل الکتاب من یعمل سوءا یجز به ولا یجد له من دون الله ولیا و لانصیرا؛ خیلی‌ها این که اهل کتاب پیش خودشان کرده‌اند و می‌گویند ما فرزندان خدا هستیم و دو سه روز بیشتر در جهنم معطل نخواهیم شد و اصلا عذاب نخواهیم دید! این‌ها خیالاتی است که کرده‌اند و بیخود نیست. اتکد شما هم چنین خیالی داشته باشید. ما دوستی اهل بیت(ع) را داریم. این دوستی اهل بیت(ع) حتما نجات‌بخش است و بر و برگرد ندارد، اما باید حفظش کرد. یک دروغ به محبت لطمه می‌زند. نگاه به نامحرم به صورت دریده، به محبت لطمه می‌زند. محبت قیمتی است، باید از آن محافظت کنیم.

روایت از رسول خدا(ص) نقل شده که فرمودند: سه چیز است که هیچ کس اجازه ندارد بر خلاف عمل کند. یکی محبت و خدمت به پدر و مادر؛ این عاقبت به‌خیری می‌آورد؛ آن محبتی که اصل دین شماست و را حفظ می‌کند. این حفظ می‌کند. خدمت به پدر و مادر، چه مسلمان باشند و چه نامسلمان، وظیفه‌ای است که هیچ کس اجازه ندارد آن را ترک کند.

دوم، وفای به عهد است. مسلمان وقتی عهد می‌کند، پای عهدش می‌ایستد. باید بایستد. اگر در عهد و پیمانش سستی کند، نشانه ضعف ایمانش است. آن وقت اگر این ضعف ایمان باشد، نمی‌داند عاقبتش چه می‌شود.

سوم امانت‌داری است. آقا من حرفی به شما ندارم، شما این ۱۰ جا بروی و خبرش را رساندی. این خلاف امانت است. سر، امانت است. این‌ها را باید حفظ کرد. نشانه مسلمانی است؛ نشانه مسلمانی راست می‌گوید یا نه؟ فرمودند این می‌تواند عادت باشد؛ نماز، روزه، حالا بفرما ببید سینه‌زنی؛ سینه‌زنی جزو جان ما شده، این تنها کافی نیست. باید ببینید با سایر چیزهای دیگر تطبیق می‌کند یا نه. چشم این آدم پاک است یا نه؟ زبانش پاک است یا نه؟ دروغ می‌گوید یا نه؟ امانتدار هست یا نه؟ راستگو هست یا نه؟

نوجوان‌ها کم حساب نکنند. این چشم گفتن در مقابل پدر و مادر از زبانتان نیفتد. هرچه فرمودند بگویید چشم، آدم عاقبت به خیر می‌شود. فرمودند خیلی به نماز و روزه نگاه نکنید. نیم ساعت کنار مسجد می‌ایستد و نماز می‌خواند، این مهم نیست. ببینید راست می‌گوید یا نمی‌گوید. این آدم به عهدی که بسته عمل می‌کند یا نه؟

امام محله

روایتی از تلاش‌های زوج جهادگر برای محرومیت‌زدایی

هم سلامت جسم، هم سلامت روح

در کنار هم قرار گرفتن این زوج می‌تواند تکمیل‌کننده نیاز یک انسان کامل باشد؛ زوجی که یکی از آنان رسالت طبلگی و در حقیقت متولی سلامت روحی و معنوی انسان‌ها و دیگری نیز به عنوان بهورز، مأموریتش کمک به حفظ سلامت جسمی افراد است.

به گزارش خبرگزاری فارس، افسانه جعفرزاده متولد سال ۱۳۷۱ و همسر حجت‌الاسلام حسین طیبی، امام محله شهرستان ملکشاهی استان ایلام است. زندگی مشترک آن‌ها از سال ۱۳۹۳ شکل گرفته و از همان زمان سرنوشت این بانو با زندگی تبلیغی همسرش گره خورده است؛ اگرچه این زوج در ابتدا هرگز تصور نمی‌کردند تا این حد کار و مأموریت و وجوه اشتراک زیادی بین وظایف همدیگر یافتند و متوجه شدند رسالت هر کدام‌شان مرتبط با هم و حتی تکمیل‌کننده مأموریت دیگری است.

■ **پس از بزشک و پرستار، طلبه‌ها در صف اول مقابله با کرونا بودند**

خانم جعفرزاده دانش‌آموخته رشته بهداشت عمومی است که حدود چهار سال است در حیطه پیشگیری از بیماری و ارائه آموزش‌های لازم برای مراقبت از سلامتی افراد در مناطق حاشیه شهر فعالیت دارد. او می‌گوید: رفت‌وآمد به مناطق صعب‌العبور و خدمت‌رسانی به مردمانی در طبلگی همسرم محسوب می‌شد، بخشی از مأموریت خودم نیز بود و تلفیق این دو مأموریت و این همراهی در رفت‌وآمدها به مناطق دوردست، به‌خاطر درکی که از سختی کار همدیگر بدست می‌آوریم، کار را بدون شک آسان‌تر می‌کرد.

وی با اشاره به اینکه در دربار یر مردم می‌گوید: شغل من به‌گونه‌ای است که این دغدغه‌مندی را می‌طلبد و من با علاقه و آگاهی آن را انتخاب کرده‌ام، علاوه بر این، وقتی پذیرفتم که از سختی کار همدیگر بدست می‌آوریم، کار را بدون شک آسان‌تر می‌کرد.

وی با اشاره به اینکه در مناطق حاشیه شهر فعالیت دارد، از مردم می‌شنوم، بی‌تفاوت آمده، وجوه اشتراک بین کار او و همسرش تنها به بهداشت می‌گذاشت؛ در این برهه با وجود اینکه خانم جعفرزاده مدتی از شغل بهورزی خود کناره‌گیری کرده بود، اما به محض شیوع کرونا و با توجه به نیاز جامعه، دوباره در میدان حاضر شد تا به حفظ سلامتی همطوفانش کمکی کرده باشد و همسرش نیز همچون او در این دوران با دغدغه‌مندی بیشتری سعی در کمک به خانواده‌های آسیب‌دیده از کرونا داشت، او می‌گوید: در این عرصه پس از مدافعان سلامت، طلبه‌ها نخستین قشری بودند که برای ارائه خدمات به بیماران کرونایی داوطلبانه به صف شدند، آن هم در شرایطی که همه از این ویروس وحشت داشتند و به هر طریقی در پی حفظ سلامتی خود و دوری از مناطق آلوده به ویروس بودند، این دوران حساس بیش از گذشته نشان داد تفاوت چندانی میان نوع و جنس کار ما وجود ندارد و دغدغه‌مندی، لازمه پیشبرد کار هر دو آن‌هاست.

■ **مشاوره درزمینه سلامت جسمی و روحی برای فرزندآوری**

خانم جعفرزاده و همسرش در کنار یکدیگر کارهای مختلفی را انجام داده‌اند، یکی از برنامه‌هایی که این زوج به صورت مشترک به آن پرداخته‌اند و از موضوعات مهم و به‌روز جامعه نیز محسوب می‌شود، ترویج فرزندآوری و ارائه مشاوره‌هایی در این حوزه به بانوان است تا آن‌ها را ترغیب به توجه به این امر مهم و نقش آفرینی در حل این معضل جامعه کنند. خانم جعفرزاده می‌گوید: توجه به سلامت جسمی افراد در کنار سلامت روان آن‌ها از دیگر برنامه‌های ماست که بخش مرتبط با حوزه کاری بنده مراقبت از سلامت جسمی انسان‌هاست. همسرم نیز سعی در کمک به حفظ سلامت معنوی و روحی افراد دارد.

خانم جعفرزاده به صورت خودجوش در مدرسه‌های حاشیه شهر حاضر می‌شود و به نکاتی درباره بلوغ و آموزش مسائل بهداشتی به آنان می‌پردازد و کمبودهای آنان و مسائل مورد نیازشان را بررسی می‌کند و به همسرش ارجاع می‌دهد تا آموزش‌هایی را که مرتبط با حوزه کاری او است، برای بچه‌های این مدرسه‌ها تدارک ببیند. او می‌گوید: پس از بررسی‌هایی که در این منطقه حاشیه‌نشین انجام دادم، توجه به تغذیه دو گروه در اولویت قرار گرفت. گروه نخست، بچه‌های زیر پنج سال و دومی نیز بانوان باردار منطقه بودند که با پیگیری‌ها زیر پوشش شبکه بهداشت قرار گرفتند. علاوه بر این با کمک همسرم و با پیگیری از بسیج، کمیته امداد و بنیاد علوی، سبدهای حمایتی نیز برای این دو گروه تهیه و در اختیارشان قرار می‌گیرد.

■ **محدوده کار خود را محله اطراف مسجد نمی‌دانیم**

اگرچه مسجد جامع شهرستان مرکز اصلی فعالیت‌های همسر خانم جعفرزاده است اما این بانو می‌گوید: معمولاً حوزه آقا به مناطق اطراف این مسجد بسنده نکرده و سعی می‌کند در تمام شهر و به‌ویژه محلات حاشیه‌نشین فعالیت داشته باشد. من به صورت مستقیم با مردم در ارتباط هستم و آن‌ها را به‌خوبی می‌شناسم و می‌دانم همسرم طلبه است، معمولاً مشکلات خود را با من مطرح می‌کنند و بالتبع این مشکلات به همسرم سعی می‌کنم تا حدتوان مشکلات آنان را برطرف کنیم.

خانم جعفرزاده درباره علت دغدغه‌مندی خود دربرابر مردم می‌گوید: شغل من به‌گونه‌ای است که این دغدغه‌مندی را می‌طلبد و من با علاقه و آگاهی آن را انتخاب کرده‌ام. علاوه بر این، وقتی پذیرفتم همسر بک روحانی باشم، خوب می‌دانستم دغدغه‌های یک طلبه چیست و با توجه به اینکه شاهد مراجعات مداوم مردم به همسرم هستم، مسلماً نمی‌توانم دربرابر مسائلی که از مردم می‌شنوم، بی‌تفاوت باشم.

■ **زندگی طلبگی خیلی زیر ذره‌بین افراد قرار دارد**

این بانو در پاسخ به این پرسش که کار کدام‌یک از آن‌ها دشوارتر است، با اطمینان و بدون هیچ تردیدی شغل همسرش و تجربه زندگی طلبگی را دشوارتر می‌داند و می‌گوید: «اگرچه شغل هرکدام از ما سختی‌های خاص خودش را دارد، اما به نظرم سختی‌های زندگی طلبگی به دلیل انتظاری که مردم از شما دارند، بسیار بیشتر است؛ در واقع زندگی طلبگی خیلی بیشتر زیر ذره‌بین افراد قرار دارد و خیلی باید مراقب باشیم رفتاری از ما سر نزند که موجب شود الگوی نامناسبی از این قشر باشیم.

او اما گله‌ای از این زندگی دشوار ندارد و تجربه چنین زندگی را برای خود افتخار می‌داند و توضیح می‌دهد: تجربه زندگی طلبگی برای من یک توفیق اجباری است و اتفاق خوبی است که برای ما رقم خورده است؛ وقتی ذهنمان معطوف و متمرکز به اهداف اصلی‌مان از این کار می‌شود، سختی‌های آن برایمان قابل تحمل و حتی شیرین می‌شود.

■ **از دعای خیر مردم تا هدیه دادن تخم‌مرغ**

لذت‌بخش‌ترین خاطره‌های خانم جعفرزاده در فعالیت در کنار همسرش به همان روزهایی برمی‌گردد که به عنوان بهورز در روستایی محروم و دور افتاده فعالیت داشت. او توضیح می‌دهد: روستا در منطقه سخت‌گذری قرار داشت و مردم آن منطقه، وسیله نقلیه نداشتند؛ به اتفاق همسرم از بنیاد علوی کمک‌هایی دریافت و مقداری دارو و اقلام ضروری برای آنان تهیه کردیم. هربار این اقلام را به دست آنان می‌رساندیم، لطف و دعاهای خیرشان بدرقه راه ما می‌شد؛ یک‌بار یکی از بانوان روستا برای تشکر از ما چند عدد تخم‌مرغ هدیه کرد که به عنوان یک خاطره شیرین در ذهنم ماندگار شده است.

نگاهی به پیشینه و شیوه‌های وقف فرش برای حرم مطهر رضوی

بر تار و پود فرش حرم خورده دل گره

بسیاری از موقوفات بزرگ و مهم آستان قدس از آثار این دوره است و کمابیش از این دوره وقف بر مصارف آستان قدس بـه قصـد فراهم‌سازی زمینه‌های زیارت و رفاه حال زائران و مسافران مشهد آغاز شد.

از دوره صفویه تا به امروز اسناد بسیاری نیز مبنی بر وقف اموال فرش بر حرم مطهر امام رضا(ع) موجود است. بخش عمده این اسناد، طومارها، رسیدها، لیست‌های نذوراتی و روزنامچه نذورات را شامل می‌شوند که به‌طور معمول در این اسناد، اطلاعات کمابیش دقیقی از نوع فرش، ابعاد، ویژگی‌های کلی از طرح و رنگ آن، ملیت و جنسیت واقف، تاریخ وقف و حتی در مواردی مکان و شیوه استفاده از آن ذکر شده است. همچنین نمونه‌های بسیاری از فرش‌های وقفی امروزه در موزه آستان قدس رضوی نگهداری می‌شوند که بیشتر آن‌ها متعلق به دوره پهلوی هستند.

■ **شیوه‌های وقف فرش بر حرم امام رضا(ع)**

برپایه اسناد موجود، وقف فرش بر حرم مطهر از دوره صفویه تا اواخر دوره قاجار به دو روش انجام پذیرفته است؛ نخست وقف فرش به صورت مستقیم و دوم وقف رقبه‌ای که درآمد آن برای تأمین مفروشات حرم مطهر صرف می‌شده است.

۱. وقف مستقیم فرش

در این شیوه فرش‌های وقفی به‌صورت مستقیم توسط واقفان و یا نماینده آن‌ها تهیه و وقف می‌شدند. به طور معمول این گروه از مفروشات دارای کتیبه وقف بودند. قدیمی‌ترین سندی که به وقف مستقیم فرش بر حرم مطهر امام رضا(ع) اشاره می‌کند، سندی با موضوع «روزنامچه نذورات متفرقه تحویلی به آستان قدس در یونیت تُیل» در سال ۱۱۱۳ق است. مطابق اطلاعات ارائه شده در این سند، نمد کرک الوانی توسط زائری قاینی به حرم مطهر وقف و در صفه خدام گسترده شده است. به علاوه، احتمال دارد قالی افشان شاه عباسی گلابتون‌دار نیز که به اواسط قرن ۱۰ق تعلق دارد توسط شاه عباس اول بر حرم مطهر وقف شده باشد. این قالی اکنون از نفایس موزه فرش آستان قدس رضوی است. در صورت پیدا شدن سندی مبنی بر وقفی بودن قالی فوق، قدمت مستند وقف مستقیم فرش بر حرم مطهر را تا اواسط قرن ۱۰ق به عقب می‌برد.

در میان اسناد دوره صفویه از سال ۱۰۲۷ق تا ۱۱۳۵ق، تنها پنج مورد وقف مستقیم فرش (در فاصله سال‌های ۱۱۱۳ تا ۱۱۱۵ق) شناسایی شد؛ اما از دوره اشاریه به بعد شاهد افزایش تعداد فرش‌های وقفی هستیم به‌طوری که در اسناد این دوره بیش از ۴۰مورد وقف مستقیم انواع فرش (از سنّ ۱۱۵۳ تا ۱۱۷۸ق) بر حرم مطهر ثبت شده است. این تعداد در دوره قاجار بیش از پیش افزایش می‌یابد. بررسی اسناد مکتوب در فاصله سال‌های ۱۲۷۴ تا ۱۳۱۶ق (دوره ناصرالدین شاه قاجار) نشان می‌دهد در این دوره بیش از ۲۲۰تخته انواع فرش بر حرم مطهر وقف شده است. قدیمی‌ترین فرش کتیبه‌دار وقفی موجود در آستان قدس رضوی نیز به دوره قاجار تعلق دارد. این فرش که در موزه فرش آستان قدس نگهداری می‌شود، قالیچه‌ای با نقش گلدانی مربوط به سال ۱۲۸۷ق است که کتیبه وقف با مضمون «وقف (ناخوانا) پای [چناب ؟] امام علیه‌السلام نمود والده آقای محمد حسین خان این قالی را ۱۲۸۷» دارد.

کتابچه موقوفات مجدالملک نیز از مهم‌ترین اسناد وقفی موجود پیش از سال ۱۲۹۰ق است که در سال ۱۲۸۵ق، در دوره تولیت مرحوم میرزا محمدخان مجدالملک (۱۲۸۵- ۱۲۸۴ق) تنظیم شده است. حدود ۱۰صفحه از اوراق این کتابچه به صورت انواع مفروشات وقفی حرم مطهر اختصاص یافته است. براساس این کتابچه در سال ۱۲۸۵ق ۶۱عدد نمد جانمازی، یاهو و مسند، ۲۱تخته قالی ابریشمی، ۶۰ تخته قالی، ۹۸تخته قالیچه، ۵۶تخته پلاس و ۶۲تخته زیلو و دیگر فرش‌های مندرس وقفی در آستان قدس موجود بوده است.

۲. وقف غیرمستقیم فرش

در این شیوه، فرش‌های وقفی از محل درآمدهای حاصل از موقوفات، مطابق شرایط مندرج در وقف‌نامه توسط متولی موقوفه تهیه می‌شدند. در میان مجموعه وقف‌نامه‌های آستان قدس رضوی هفت وقف‌نامه شناسایی شد که بخشی از مصارف آن‌ها تأمین فرش حرم امام رضا(ع) بوده است. از مجموع این هفت وقف‌نامه، پنج مورد به دوره صفویه، یک مورد به دوره افشاریه و یک مورد به اوایل دوره قاجار مربوط است.

علاوه بر وقف‌نامه‌ها، در میان اسناد مرتبط با نذورات حرم مطهر از دوره صفویه تا اواخر دوره قاجار، رسیدهای نذورات به‌ثبت رسیده است که بر اساس شرح مندرج قابل مشاهده است که بر اساس شرح مندرج در اسناد مربوط، از محل درآمدهای حاصل از موقوفات خریداری شده‌اند. مجموعه این اسناد، صرف درآمدهای حاصل از موقوفات را در تأمین مفروشات حرم مطهر بـه اثبـات می‌رساند. بـه عنـوان مثـال، بخشـی از سـندی که به سـال ۱۲۹۱ق مربوط است، رسید وصول یـک قالی بزرگ ترنجدار خریداری شـده از محـل موقوفات گنجعلـی خـان زیگ است.

■ **انواع فرش‌های وقف شده بر حرم امام رضا(ع)**

بررسی اسناد از دوره صفویه تا اواخر دوره قاجار نشان می‌دهد در هر دوره، انواع مفروشات در ابعاد و کاربردهای گوناگون بر حرم مطهر وقف می‌شده است. این مفروشات از دوره صفویه تا اواخر دوره افشاریه شامل انواع قالی، قالیچه و نمد بوده‌اند که به عنوان فرش و زیرفرشی استفاده می‌شده‌اند؛ اما از دوره قاجار به بعد علاوه بر قالی، قالیچه و انواع نمد، نام مفروشاتی مانند پلاس گلیم و زیلو نیز مشاهده می‌شود. به طورکلی براساس مستندات موجود و نمونه فرش‌های به جا مانده، انواع فرش‌های وقف شده بر حرم مطهر را می‌توان در پنج گروه طبقه‌بندی و معرفی کرد.

۱. قالی و قالیچه: به دستبافت‌هایی که ساختار آن‌ها شامل تاروپود و پرز است، قالی و قالیچه گفته می‌شود؛ چنانچه اندازه این نوع بافته‌ها بزرگ‌تر از ۶مترمربع باشد اصطلاح «قالی» برای آن‌ها به کار می‌رود و اگر کوچک‌تر از آن باشد، «قالیچه» نامیده می‌شوند. از رایج‌ترین فرش‌های وقف شده بر حرم مطهر، انواع قالی و قالیچه‌های پشمی و ابریشمی درشت‌بافت (خرسک) در ابعاد بسیار کوچک تا بسیار بزرگ است که بافت مناطق گوناگون (جوشقان، اصفهان، قاین، کرمان، کردی و ترکمنی) هستند. به طور معمول از این نوع مفروشات به عنوان فرش (قالی، قالیچه، کناره، سرانداز)، زیرفرشی، پوشش ضریح، رومنبری و حتی در دوره قاجار به عنوان پرده درهای ورودی استفاده می‌شده است.

۲. نمد: نوعی مفروش پشمی است که بدون نقش یا با نقش‌نگار بوده‌اند. بهترین نوع نمد، نمدهای ظریفی بوده که در تولید آن به جای پشم گوسفند از کرک شتر استفاده می‌شده است. در اسناد تاریخی نیز به طور خاص به نمدهای کرکی اشاره شده است. بررسی اسناد موجود نشان می‌دهد نمدهای وقف شده دارای ابعاد و کاربردهای گوناگون بوده‌اند؛ برای مثال می‌توان به نمد سراسری، کناره، نمد سرانداز و یاهو که به عنوان فرش یا زیرفرشی استفاده می‌شده و همچنین مسند و نمد جانمازی اشاره کرد.

۳. پـلاس: در لغـت نامـه دهخـدا آمـده است: پلاس «پشمینـه گستردنی باشد شبیه جاجیم. گلیم سطبر و گلیم بد». در واقع پلاس به نوعی از دستبافت‌های تار و پودی درشت‌بافت گفته می‌شود که شبیه گلیم‌های ساده‌بافت، بدون نقش یا با نقش‌های بسیار ساده (راه راه و یا چهارخانه) هستند. در بافت پلاس به‌طور معمول از پشم و پنبه استفاده می‌شود.

۴. گلیم: گلیم نوعی مفروش نقش‌دار است که در بافت آن از پشم و پنبه و در مواردی از ابریشم نیز استفاده می‌شود.

۵. زیلو: نوعی مفروش پنبه‌ای است که بیشتر به صورت دورو، با دو رنگ متضاد بافته می‌شود. با توجه به جنس طرح و نقش و ترکیب رنگ زیلو، از این نوع دستبافت بیشتر به صورت فرش و یا زیرفرشی در اماکن مذهبی استفاده می‌شود.

براساس شواهد موجود، نـوع مفـروش وقـف شـده در هر دوره زمانی، با عوامـل گوناگونی ماننـد موقعیـت جغرافیایی، جایگاه اجتماعـی و توانایی مالـی واقـف و... ارتباط تنگاتنگ داشـته است؛ برای مثـال هر سـال یـک نمـد جانمازی کـرک و هر سـه سـال یـک تخـته قالـی عالـی کرمانـی از محل موقوفـات گنجعلی خـان وقف حـرم مطهر می‌شـده است. با توجه به آنکه گنجعلی خان در زمـان تدوین وقف‌نامه خـود (سـال ۱۰۰۸ق) حاکم وقت کرمـان بـوده، مطابـق وقف‌نامه و با توجه به جایگاه اجتماعی و سیاسـی واقف، نوع مفروشات خریـداری شـده از محـل وقف از تولیـدات منطقه کرمان یـا کیفیت خوب (نمد کرکـی و قالی کرمانی) بـوده اسـت. همچنیـن نـام «پـلاس» و یا «پلاس کردی» که از تولیدات رایج در میان کردهای شـمال خراسـان اسـت بارها در اسـناد دوره قاجـار ثبت شـده اسـت. این نوع مفروش را کردها و یا ساکنان مناطـق شـمالی خراسـان بـر حـرم مطهـر وقـف می‌کردند و مشـخصات واقفان آن‌ها در رسـیدها یا فهرسـت‌های نذوراتی به صورت «وقفی شخص زوار کرد»، «وقفی محمد تقی قوچانی الاصل»، «وقفی ضعیفه کرد» و مانند آن درج شـده است.

دیدگاه

حل مسئله حجاب در گرو فعالیت فرهنگی و اقناعی است

در چند ماه اخیر دو گزارش پژوهشی با عنوان «آینده‌نگاری الزام به حجاب در افق ۱۴۱۱» و «گزارش پژوهشی الزام به حجاب در فقه شیعه؛ بررسی آرای ۳۱ نفر از مراجع تقلید معاصر» توسط گروه بررسی‌های راهبردی میرات منتشر شد.

به همین مناسبت خبرگزاری ایکنا با حجت‌الاسلام والمسلمین امیرمهدی مناقبی، مدیر گروه این پروژه هم‌صحبت شده تا درباره ضرورت انجام این پژوهش‌ها و تحلیل محتوای آن گفت‌وگو کند. گزیده دیدگاه‌های حجت‌الاسلام مناقبی در این گفت‌وگو را از نظر می‌گذرانید.

■ **هدف ما آینده‌نگاری الزام به حجاب بود**

مجموعه ما در تیرماه سال گذشته به این جمع‌بندی رسید که مسئله «حجاب» جزو مسائلی است که پاس‌های خطرآفرینی از آن دریافت می‌شود و باید به آن بپردازیم. از تیرماه صحبت کردن با کارشناسان و خبرگانی که در این زمینه فعالیت داشتند را آغاز کردیم و به سه پروژه رسیدیم. هدف ما آینده‌نگاری الزام به حجاب بود. در پروژه را به صورت مقدماتی طرح کردیم تا به پروژه آینده‌نگاری برسیم. پروژه نخستی که طرح شد بررسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه حجاب بود؛ یعنی تهیه گزارشی از پژوهش‌هایی که از جنبه اجتماعی و فرهنگی به حجاب می‌پرداختند.

مخاطبانشان صدای غیر همفکرانشان را هم بشنوند. خود تکرار این تصویر، این پیام را به جامعه منتقل می‌کند که ما می‌توانیم با هم صحبت کنیم و با اینکه با هم متفاوت فکر می‌کنیم سر مسائلی به اتفاق نظر برسیم، انتشار این پیام که ما کسی را حذف نمی‌کنیم از کارهای مؤثری است که رسانه می‌تواند انجام دهد تا هم جامعه بفهمد گلوگاه مسئله حجاب کجاست و هم بتوانیم با هم حرف بزنیم.

■ **حجاب به یک نماد سیاسی تبدیل شده است**

آنچه ما در این گزارش این است که حل مسئله حجاب از ساحت قانون‌گذاری و سیاسی و دارد ساحت اجتماعی و فرهنگی شود. اکنون حجاب به یک نماد سیاسی تبدیل شده و بسیاری از کسانی که در موافقت یا مخالفت با حجاب صحبت می‌کنند دغده‌شان حجاب نیست بلکه ابزار یک پیام سیاسی است. این مسئله است که مسئله حجاب در حوزه سیاست و قانون‌گذاری پیگیری شده است.

من که دغده‌مند حجاب هستم باید جامعه را قانع کنم این پوشش درست و برتر است. حالا یا می‌توانم یا نمی‌توانم. اگر بتوانم که بهترین اتفاق از منظر من معتقد به حجاب افتاده اگر نتوانم و قرار باشد از طریق حاکمیت این مسئله را حل کنم، نتیجه آن این اتفاقی است که در جامعه ما افتاده است.

■ **نگرانی از ایجاد تنش در ساحت‌های دیگر دین**

در گزارش خود خطاب به هم‌میهنانی که معتقد به امر به معروف و نهی از منکر هستند عرض کردیم توجه کنید اگر بـا فعالیت‌های مسـتقل فرهنگی و اقناعی بـرای حجـاب کار نکنید نتیجه عکس خواهید گرفت. این را هم در نظر بگیرید که ممکن است اصلاً جامعه اقناع نشود. فرض کنید بخشـی از جوانان ما بـه این جمع‌بندی رسـیدند که این پوشـش را نمی‌خواهیم. در آن صورت باید چکار کنیـم؟ از سـوی دیگـر ممکن اسـت تنشـی کـه در موضوع حجاب هسـت در موضوعـات دیگری تکرار شـود. باز هم می‌خواهیـم همین طور که در مسـئله حجاب رفتار کردیـم در آن مسـائل هـم ورود کنیم؟ یک نگرانی ما این اسـت که تنش از موضوع حجاب وارد سـاحت‌های دیگر دینی شـود. مثـلاً وارد حوزه عزاداری شـود. اگـر نتوانیـم ایـن مسـئله را فرهنگی حل کنیـم و تنهـا از ابزار قانـون اسـتفاده کنیم قابل پیش‌بینی اسـت این مشـکل تشدید می‌شـود. در آن صورت مشـکلی را که می‌توانسـتیم با هزینه کمی حل کنیم باید با هزینه بیشـتری حـل کنیم.

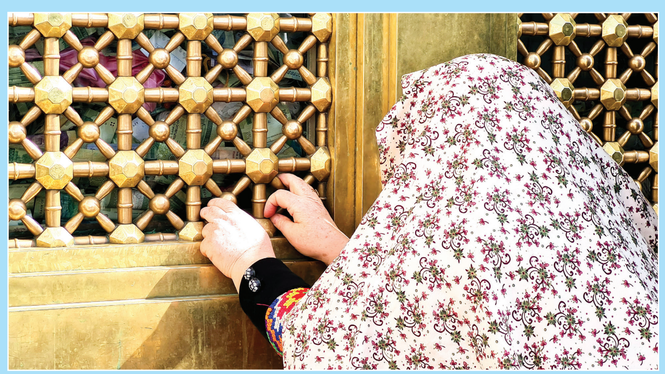

عکس نوشت

تو برای دل ما هم تله داری؟

عکس:
سیده محدثه حسینی فراش

ملیحه شجاعی‌زاده

هرچند که از چشم ترم فاصله داری
دل‌های کبوتر شده یک قافله داری
ای قامت مغرب که به سجادهٔ مشرق
پشت سر هر سجده، دو صد نافله داری
این مرغ خودش خواست که در دام نشیند
آقا، تو برای دل ما هم تله داری؟
هرچند شلوغ است حرم، دلهره ای نیست
وقتی که برای همگی حوصله داری
با دست خودت باز بکن این گره را هم
آقا خودمانیم، عجب مشغله داری!
می‌خواستم از خود گله‌ای... نه... چه بگویم
آقا تو بفرما اگر از ما گله داری
هرچند که ما این طرف جاده نشستیم
دور و بر خود، شیفته، یک سلسله داری
گفتم که از اینجا به حرم راه زیاد است
گفتی که مگر از دل خود فاصله داری؟

کلام امیر

در توصیف پرهیزگاران می‌فرماید: شب را آغاز می‌کند در حالی که هم‌آوا و شکرگزاری حق است و روز را آغاز می‌کند در حالی که هم و غمش یاد خداست. شب را با ترس می‌گذراند و روز را با شادمانی، ترس از غفلت خویش که از آن برحذر داشته شده و شادمانی به سبب فضل و رحمت خدا که شامل حال او شده‌است. (خطبه ۱۹۳ نهج‌البلاغه)

از دارایی خود به اندازه ضرورت نگه دار و زیاده آن را برای روز نیازمندی‌ات پیش فرست.

در برابر قدرتمندان محتاط، در برابر دوستان فروتن، در برابر دشمنان مراقب و در برابر مردمان گشاده‌رو باش.

صحت السلطان و الجد و الصدیق و التواضع و العدو و التحبب و العامة و الحشر

آل محمد(ع) زبور

ای مولای من، بر من رحمت آور آن‌گاه که نشان من از جهان بر افتد و نامم از میان آفریدگان محو شود و در زمره فراموش‌شدگان درآیم. ای مولای من، بر من رحمت آور آن‌گاه که چهره‌ام و حالتم دگرگون شود، آن هنگام که پیکرم بپوسد و اعضایم پراکنده گردد و بند بندم از هم بگسلند. ای وای بر غفلت من از آنچه برایم مهیا کرده‌اند. ای مولای من، رحم کن بر من در آن روز که زنده شوم و برای حساب حاضر آیم. (دعای ۵۳ صحیفه سجادیه)